[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-04-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.8.4]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.137]

مقالهٔ علمی-پژوهشی

بررسی بیتی از *شاهنامه* با تکیه بر متن‌های اوستایی و فارسی میانه

مجتبی دورودی*
حمید فدایی**

چکیده

موضوع جستار حاضر بررسی و تحلیل بیتی از *شاهنامهٔ* فردوسی است که تاکنون پژوهشگران دیدگاه‌های گوناگونی دربارهٔ آن اظهار کرده‌اند. این بیت، که سعدی نیز در *بوستان* ضبط کرده است، با مصراع «میازار موری که دانه‌کش است» آغاز می‌شود. سپس‌تر، خالقی‌مطلق صورت ضبط‌شدهٔ این بیت در نسخهٔ فلورانس و دو نسخهٔ دیگر را، که مصراع «مکش مورکی را که روزی‌کش است» در آنها آمده است، اساس تصحیح خود قرار داده و آن را نزدیک‌ترین صورت به اصل *شاهنامه* دانسته است. پس‌ازآن، پژوهشگران دیدگاه‌های خود را در رد یا قبول این تصحیح منتشر کرده‌اند. در این پژوهش، ضمن بررسی نظریات دیگر، با تمرکز بر متن‌های اوستایی و فارسی میانه، و نیز با درنظرگرفتن صورت بسامدی تعدادی از واژگان این بیت، این نتیجه حاصل شده است که عبارت «مور دانه‌کش»، ترکیبی وصفی و کهن است که در متن‌های باستان و میانه ریشه دارد و دامنه‌اش به فارسی نو نیز کشیده شده است. دو دیگر، واژهٔ «مکش» نسبت به «میازار» و «موری» نسبت به «مورک» برتری دارد که به‌قرینهٔ یکدیگر در هر کدام از ابیات دیده می‌شوند. بااین‌حال، واژهٔ «میازار» را می‌توان ازجمله نوآوری‌های شاعرانهٔ فردوسی به‌شمار آورد.

کلیدواژه‌ها: *شاهنامه*، میازار، مکش، مور، مورک، دانه‌کش، روزی‌کش.

*کارشناس‌ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه شیراز، عضو مرکز پژوهش‌های کتیبه‌شناسی و سرپرست موزهٔ تخت‌جمشید (نویسندهٔ مسئول)، doroodi.official@gmail.com
**دانش‌آموختهٔ دکتری حفاظت و مرمت آثار تاریخی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری تهران، hfadaii@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۸/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۱۹
دوفصلنامهٔ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، سال ۳۰، شمارهٔ۹۲، بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص۱۳۷-۱۴۹

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-04-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.8.4]

[DOI: 10.52547/jpll.30.92.137]

A Study of a Couplet from Ferdowsi's *Shahnameh* Based on Avestan and Middle Persian Texts

Mojtaba Doroudi*
Hamid Fadayi**

Abstract

The present article is an analysis of a couplet from Ferdowsi's Shahnameh, about which scholars have expressed various opinions so far. This couplet, which was also recorded by Saadi in Bustan, begins with the hemistich "mayazar muri ke danekesh ast" (Don't harm an ant that is seed-carrying). Later, according to the recorded form of this couplet in the Florence version and two other versions containing the hemistich "makosh muraki ra ke ruzikesh ast" (Don't kill a small ant that is daily-bread-carrying), Khaleghi Motlagh based his revised version of Shahnameh and stated that it was the closest version to the original Shahnameh. The researchers have since expressed their opinions on rejection or acceptance of this revision. While investigating other views, this study focused on Avestan and Middle Persian texts and considered the frequency of some words of this hemistich and concluded that the phrase "mure danekesh" (seed-carrying ant) is an ancient and descriptive compound that has its roots in Old and Middle Persian texts and its domain is extended into New Persian. The two other phrases "makosh" (Don't kill) compared with "mayazar" (Don't harm) and "muri" (an ant) compared with "muraki" (a small ant) have superiority, which correspond with one another in each hemistich. However, the phrase "mayazar" can be regarded as one of Ferdowsi's poetic innovations.

Keywords: Shahnameh, Mayazar, Makosh, Mur, Murak, Danekesh, Ruzikesh.

*M.A in Ancient Culture and Languages at Shiraz University (Corresponding Author) *doroodi.official@gmail.com*

**PhD holder in Protection and Restoration of Historical Monuments at Research Institute of Cultural Heritage & Tourism, *hfadaii@yahoo.com*

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-04-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.8.4]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.137]

۱. مقدمه

سعدی درباب دوم *بوستان* خود، موسوم به «احسان»، با اشاره به نام فردوسی، این بیت را از او تضمین کرده است:

میازار موری که دانه‌کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است

(سعدی، ۲/۱۳۷۰: ۸۲)

بیت مزبور، با توجه به پاره‌ای از نسخه‌های *شاهنامه* که آن را ضبط کرده‌اند، مربوط به پادشاهی فریدون و از زبان ایرج است که در برخی از نسخه‌های *شاهنامه* به‌همین‌شکل دیده می‌شود و در تعدادی نیز به‌صورت دیگری ضبط شده است (برای بررسی صورت‌های ضبط‌شدهٔ این بیت در برخی از نسخه‌های خطی، ر.ک: خالقی‌مطلق، ۱۳۶۴: ۶۲۵) که در نسخهٔ تصحیح‌شدهٔ خالقی‌مطلق صورت زیر برای آن در نظر گرفته شده است:

مکش مورکی را که روزی‌کَش‌ست که او نیز جان دارد و جان خَوش‌ست

(فردوسی، ۱/۱۳۹۶: ۱۲۰)

پاره‌ای از منابع (۹ نسخه) دربردارندهٔ صورتی از بیت است که سعدی ارائه داده است و برخی دیگر (۳ نسخه)، دربردارندهٔ بیتی است که اساس تصحیح خالقی‌مطلق قرار گرفته است که باید به آن تأیید نسبی دو نسخهٔ دیگر را نیز افزود (برای بررسی این گزینش بنابر نظر خالقی‌مطلق، ر.ک: خالقی‌مطلق، ۱۳۶۴: ۶۲۴-۶۲۶؛ جعفری و رادفر، ۱۳۹۱: ۵۱-۵۲). با اینکه نسخهٔ فلورانس کهن‌ترین دست‌نویس *شاهنامه* است که تاکنون به‌دست آمده است و تصحیح خالقی‌مطلق از فخامت و اعتبار زیادی برخوردار است، بنابر نکاتی چند، به‌ویژه در عبارت «موری دانه‌کَش»، دربرابر «مورک روزی‌کش»، می‌توان صورت ضبط‌شدهٔ دیگر نسخه‌ها را، که در *بوستان* سعدی نیز بازتاب یافته است، به‌صورت اصلیِ سرودهٔ فردوسی نزدیک‌تر دانست. ازدیگرسو، واژهٔ آغازین این بیت، یعنی «مکُش»، دربرابر «میازار»، که در تصحیح خالقی‌مطلق نیز مشاهده می‌شود، به کاربرد باستانی این واژه آن‌گونه که از نظر خواهد گذشت نزدیک‌تر است. بایسته است، پیش از پرداختن به این مبحث، به پیشینهٔ نظر دیگر پژوهشگران دراین‌باره پرداخته شود.

۱.۱. ضرورت تحقیق و روش تحقیق

با توجه به اهمیت *شاهنامهٔ* فردوسی به‌عنوان یکی از ارکان ادبیات فارسی، پرداختن به زبان و محتوای موجود در آن بایسته و ضروری است. این موضوع به‌ویژه از دو منظر قابل بررسی

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-04-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.8.4]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.137]

است: نخست، کلام اصلی سرایندهٔ اثر که با توجه به دخل و تصرف کاتبان در گذر ایام، گاه دگرگون شده است. دو دیگر، پی‌بردن به محتوای منابع فردوسی است که گاه محتوای آن، به فراخور زمان، در کلام شاعر رنگ‌باخته یا کم‌رنگ شده است. این پژوهش بر اساس مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است و بدین‌منظور کوشش شده است تا اغلب منابع مرتبط با موضوع بررسی شود. بایسته است، پیش از پرداختن به این مبحث، به پیشینهٔ نظر دیگر پژوهشگران دراین‌باره پرداخته شود.

۱. ۲. پیشینهٔ پژوهش

خالقی‌مطلق (۱۳۶۴)، با اشاره به پاره‌ای از دست‌نویس‌های *شاهنامه*، به نفوذ *بوستان* در *شاهنامه* پرداخته و صورت ضبط‌شدهٔ این بیت را نیز، درکنار پاره‌ای از دیگر ابیات، به‌درستی ناشی از آن دانسته است. او سعدی را از اتهام تصرف در مصراع نخست این بیت هم تبرئه کرده است (ر.ک: خالقی‌مطلق، ۱۳۷۴). بنابر گفتهٔ ایشان، چهل‌وشش‌سال پیش از *بوستان*، در کتاب *فرائدالسلوک*، صورت ضبط‌شدهٔ سعدی را می‌توان مشاهده کرد (خالقی‌مطلق، ۱۳۷۴: ۷۴۰). ذوالفقاری و محمدی‌بدر (۱۳۸۹) با نگاهی به هردو صورت ضبط‌شده از بیت مورد اشاره و با توجه به اصول بلاغت، تصحیح خالقی‌مطلق را صورت اصیل *شاهنامه*‌ای در نظر گرفته‌اند. کهریزی (۱۳۹۱) این بیت را برساخته‌ای از خود فردوسی دانسته و با توجه به اینکه مورچه در زمرهٔ موجودات زیان‌کار در آیین زرتشت است، امر به نکشتن آن را، در منبعی که فردوسی در اختیار داشته است، منطقی نمی‌داند. جعفری و رادفر (۱۳۹۱)، با دلایلی چند و با استناد به موارد مشابهی در اشعار دیگر شاعران، ازجمله کمال خجندی و عطار، به‌همراه بررسی عبارت «دانه‌کش»، همان اشارهٔ متداول سعدی را صحیح‌تر دانسته‌اند. خطیبی (۱۳۹۴) ضمن دفاع تمام‌عیار از تصحیح خالقی‌مطلق، دلایل دیگری را به آن می‌افزاید؛ ازجمله بر این باور است که هردو شاعر، هردو صورت این بیت را بنابر مقتضای بافت متن قرار داده‌اند. در این جستار، واژگان مهم و مورد مناقشهٔ این بیت در بافت اوستایی و فارسی میانه به‌همراه تحلیل آنها در فارسی نو بررسی شده است.[۱]

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-04-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.8.4]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.137]

۲. تحلیل

۲. ۱. «موری دانه‌کش»/ «مورک روزی‌کش»

پیش‌ازهرچیز، بایسته است به ترکیب وصفی «موری دانه‌کش»/«مورک روزی‌کش» در بیت پیش‌گفته پرداخته شود. علاوه‌بر اشاره‌های شاعران پارسی‌گوی، مانند سعدی، عطار و کمال خجندی به ترکیب «مور دانه‌کش» (ر.ک: جعفری و رادفر، ۱۳۹۱: ۵۱)،[۲] این ترکیب پیشینهٔ بسیار کهنی دارد که در متن باستانی *اوستا* و فارسی میانه نیز بدان اشاره شده است و دامنه‌اش تا به فارسی نو نیز کشیده می‌شود.[۳] در زبان اوستایی، که یکی از چهار زبان ایرانی باستان به‌شمار می‌رود و پژوهشگران کهن‌ترین بخش آن را که در *اوستا* بازتاب یافته است به سده‌های هشتم تا دهم پیش‌ازمیلاد می‌رسانند (تفضلی، ۱۳۷۷: ۱۱)، می‌توان این ترکیب را مشاهده کرد. در «وندیداد»، که یکی از پنج کتاب موجود *اوستا* است و به‌طور کامل به دست ما رسیده است و محتوای آن قوانین عملی زرتشتیان است (همان، ۶۰-۶۱)، عبارت «موری دانه‌کش» در سه فرگرد آن آمده است که فرگردهای چهاردهم بند ۵، شانزدهم بند ۱۲ و بند ۷۳ از فرگرد هجدهم را دربرمی‌گیرد. واژهٔ مور/ موری در این متن به‌صورت مَئوئِری (maoiri) و صفت مرکب دانه‌کش به‌صورت دانوکَرشَه (dānō-karša) آمده است (بارتلُمه، ۱۹۰۴: ۱۱۵۲). جزء نخست یعنی واژهٔ مور/موری در فارسی میانه (پهلوی ساسانی) به‌صورت mōr تحول یافته است (مکنزی، ۱۳۹۰: ۱۰۸) و درقالب واژهٔ مور/موری و نیز مورچه به فارسی نو رسیده است. دومین واژهٔ اوستایی، دانه‌کش (dānō-karša)، دو جزء دارد: یکی دانه (dānō) که در فارسی میانه به‌صورت دانَگ (dānag) درآمده است (همان، ۶۱). واژهٔ امروزی دانه بازماندهٔ همین واژه است. دیگری کرشَه (karša) اوستایی و به‌معنی کشیدن است (کلنز، ۱۹۹۵: ۱۵). این واژه در فارسی میانه به‌صورت کَش (kaš) درآمده و در متن‌های پهلوی صفت دانه‌کش (dānag-kaš) بازماندهٔ آن است. چندین متن پهلوی عبارت «موری دانه‌کش» (mōr ī-dānag kaš) را ضبط کرده‌اند (هُرن و هوبشمان، ۱۳۹۳: ۳۸۷). این عبارت در کتاب‌های فارسی میانه، ازجمله در *بندهشن*، *روایت آذرفرنبغ فرخزادان* و کتاب *صد در نثر* باب ۴۳ عیناً دیده می‌شود (ر.ک: فرنبغ‌دادگی، ۱۳۸۰: ۱۰۳؛ آذرفرنبغ فرخزادان، ۱۳۸۴: ۱۱۳؛ مودی، ۱۹۰۹: ۳۴)؛ بنابراین، می‌توان برای این اسم و صفت یعنی «موری دانه‌کش» پیشینهٔ کهنی ارائه داد که در *اوستا* با ترکیب maoiri dānō-karša وجود داشته

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-04-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.8.4]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.137]

است و به‌صورت mōr ī-dānag kaš به فارسی‌میانه می‌رسد و در فارسی نو نیز mūrī-e daneh kaš همچنان بازماندهٔ آن است. ترکیب وصفی «روزی‌کش» و نیز دو واژهٔ «مورک» و «روزی» در فارسی نو است که رواج می‌یابند و در متن‌های باستانی و میانه مشاهده نشدند. بررسی اصطلاح «موری دانه‌کش» را در بخش زیر و همراه با پرداختن به دو واژهٔ «مکش» و «میازار» ادامه خواهیم داد. اما قبل از آن، خوب است نسخه‌هایی را که این دو عبارت در آنها قید شده است بررسی کنیم: «دانه‌کش» در ۱۲ نسخه، یعنی نسخه‌های استانبول مورخ ۷۳۱، لنینگراد مورخ ۷۳۳، قاهره مورخ ۷۴۱، قاهره مورخ ۷۹۶، لیدن مورخ ۸۴۰، لندن مورخ ۸۴۱، پاریس مورخ ۸۴۴، واتیکان مورخ ۸۴۸، لنینگراد مورخ ۸۴۹، آکسفورد مورخ ۸۵۲، برلین مورخ ۸۹۴ و دست‌نویس بی‌تاریخ کاما (خالقی‌مطلق، ۱۳۶۴: ۶۲۵) ضبط شده است. صفت «روزی‌کش» اما در سه نسخه قید شده است که عبارت‌اند از: فلورانس مورخ ۶۱۴، لندن مورخ ۸۹۱ و نسخهٔ استانبول ۹۰۳ (همان). واژهٔ «موری» نیز در ۹ نسخه، یعنی استانبول مورخ ۷۳۱، قاهره مورخ ۷۴۱، قاهره مورخ ۷۹۶، لیدن مورخ ۸۴۰، لندن مورخ ۸۴۱، واتیکان مورخ ۸۴۸، لنینگراد مورخ ۸۴۹، آکسفورد مورخ ۸۵۲ و برلین مورخ ۸۹۴ آمده است (همان). واژهٔ «مورک» در ۶ نسخهٔ فلورانس مورخ ۶۱۴، لنینگراد مورخ ۷۳۳، پاریس مورخ ۸۴۴، لندن مورخ ۸۹۱، استانبول مورخ ۹۰۳ و دست‌نویس بی‌تاریخ کاما دیده می‌شود (همان). فارغ از قدمت نسخهٔ فلورانس، آن‌گونه که مشاهده می‌شود، دو واژهٔ «دانه‌کش» و «موری» نسبت به «روزی‌کش» و «مورک» بیشتر به‌کار رفته‌اند و بازماندهٔ صورت فارسی میانه و اوستایی آن به‌شمار می‌روند. همچنین، از منظر قدمت نسخه، تنها در نسخهٔ فلورانس است که عبارت «روزی‌کش» بر «دانه‌کش» برتری دارد و در دیگر موارد برتری تاریخی با همان صورت دوم است.

۲. ۲. مکُش/میازار

همان‌گونه که اشاره شد، نخستین واژه در *بوستان* «میازار» و در نسخهٔ خالقی‌مطلق «مکُش» قید شده است. جالب‌توجه اینجاست که هردو متن اوستایی و فارسی میانه که در پیشتر ذکر شد، به کشتن مور امر کرده‌اند. در فرگرد چهاردهم «وندیداد» بند ۵، یکی از کفاره‌هایی که می‌توان با آن گناه را جبران کرد این است که: «ده‌هزار از مورهای دانه‌کش بکُشد» (رضی، ۳/۱۳۷۶: ۱۴۳۰) و در فرگرد شانزده بند ۱۲ همان کتاب، به کشتن دویست مور دانه‌کش (همان، ۱۵۲۰) امر شده و در فرگرد هجدهم بند ۷۳، از کشتن هزار مور سخن رفته است

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-04-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.8.4]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.137]

(همان، ۱۶۰۱). در متن‌های فارسی میانهٔ اشاره‌شده نیز به‌همین‌سیاق سخن از کشتن مور است. در *بندهشن* از کشتن هزار مور دانه‌کش به‌دست موجودی نیک‌آفریده به نام ژوژه سخن رفته است (فرنبغ‌دادگی، ۱۳۸۰: ۱۰۳). در *روایت آذرفرنبغ* کشتن هزار مور دانه‌کش کفارهٔ گناه قید شده است (آذرفرنبغ فرخزادان، ۱۳۸۴: ۱۱۳). در فصل چهل‌وسوم از کتاب فارسی میانهٔ *صد در نثر* هم اهمیت کشتن مورِ دانه‌کش این‌گونه ذکر شده است: «هرکه مورچهٔ دانه‌کش بکشد، چندانی کرفه[۴] بود که کسی هرمزدیَشتی بخواند» (مودی، ۱۹۰۹: ۳۴). حتی در متن‌های فارسی زرتشتیان در قرون اسلامی، این نشانه قابل ردگیری است: «وگر موری دانه‌کش را بکشند، چنان شود که شیر ویشه بکشته بود یا کوری روشن کرده بود» (داراب هرمزدیار، ۱/۱۹۲۲: ۲۷۳). علاوه‌بر این موارد، باید ادبیات گستردهٔ فارسی میانه را نیز به این مطالب افزود که سخن از کشتن «مور» بدون صفت «دانه‌کش» در آنها آمده است. در کتاب‌هایی چون *شایست‌ناشایست*، *روایات پهلوی* و *ارداویراف‌نامه* این اشاره دیده می‌شود (ر.ک: *شایست‌ناشایست*، ۱۳۶۹: ۱۳۲؛ *روایت‌پهلوی*، ۱۳۹۰: ۲۶۷؛ *ارداویراف‌نامه*، ۱۳۹۴: ۸۰). همان‌گونه که اهل پژوهش واقف‌اند، مورچه در ایران باستان در شمار خرفستران و موجودات زیان‌کار اهریمنی به‌شمار می‌رفته است (ر.ک: یاحقی، ۱۳۹۴: ۳۲۳) که کشتن آن ثوابی بزرگ بوده است. این رسم باستانی ایرانی از چنان دیرینگی برخوردار است که در کلام مورخان کلاسیک یونان باستان ازجمله هرودوت نیز به آن اشاره شده است (بنونیست، ۱۳۵۴: ۱۷-۱۶). در منظومه‌ای پارسی موسوم به *فرضیات‌نامه* از دستور داراب پالن (۱۰۷۷-۱۱۴۵ هـ‌ق) این‌گونه آمده است:

همی در پنج خرفستر بکُشتن — بسی تأکید باید جهد کردن
وزغ اول بدان، پس مار و کژدم — سیم باشد مگس هم مور چارُم
(پالن، ۱۹۲۴: ۳۳)

در یک منظومهٔ حماسی فارسی نیز درقالب داستانی افسانه‌ای سخن از کشتن موران رفته است. این منظومه، همان *کوش‌نامه* اثر حکیم ایران‌شان‌بن‌ابی‌الخیر است، موضوعی که تاکنون موردتوجه پژوهشگران قرار نگرفته است. جالب‌توجه اینکه در نیمه‌های پایانی این اثر است که خواننده از کشته‌شدن ایرج به‌دست تور و سلم آگاه می‌شود:

چنین گفت گویندهٔ باستان — که از راستان آمد این داستان
که چون تور و سلم آن بدی ساختند — که گیتی از ایرج بپرداختند
(ایران‌شان‌بن‌ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۶۴۱)

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-04-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.8.4]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.137]

تور و سلم طی پیمانی که با کوش می‌بندند زمین را میان یکدیگر بخش می‌کنند و حوادث تا آنجا پیش می‌رود که با تولد منوچهر، انتقام ایرج از سلم و تور گرفته می‌شود و کوش نیز پس از شکست‌خوردن از منوچهر به خاوران می‌گریزد (همان، ۶۴۳-۶۵۵). این ماجرا با دگرگونی شخصیتی کوش و قدم‌نهادنش در راه ایزد همراه می‌شود و درست در اواخر این مجموعه است که کوش به نبرد موران آدم‌خوار می‌رود و آنان را نابود می‌کند:

چو آتش برآورد با مور زور — کجا پایداری کند زورِ مور
به‌گردون زبانه همی برفروخت — از ایشان هزاران هزاران بسوخت
(ایران‌شان‌بن ابی‌الخیر،۱۳۷۷: ۶۷۸)

بنابراین، در متن‌های باستانی، از کشتن مور به‌منزلهٔ ثوابی بزرگ سخن رفته است که بازتاب آن را درقالب داستانی افسانه‌ای در *کوش‌نامه* نیز می‌توان بازجست. پژوهشگری فقید دراین‌باره آورده است:

> مورچه همیشه در *اوستا* با صفت دانوـکرشَ، یعنی دانه‌کش آمده است و همین صفت در *شاهنامه* از برای مورچه محفوظ مانده و از همین صفت می‌توان دانست که چرا کشتن مورچه، حشره‌ای که گندم را از خرمن به تاراج می‌برد و در هر خوردنی درآمده می‌آلاید نزد ایرانیان برزیگر و پاکیزه ثواب شمرده شده است (پورداوود، ۲/۱۳۷۷: ۳۵۷).

آیا منبعی که فردوسی در اختیار داشته است می‌توانسته دارای چنین محتوایی باشد؟ پژوهشگر فقید دیگری، دراین‌باره با اشاره به بیتی که سعدی ضبط کرده آورده است: «این بیت اعراضی به فریضه و رسم موبدان و مزداپرستان است» (رضی، ۳/۱۳۷۶: ۱۴۴۰). بنابراین، سخن از دگرگونی یک محتوای زرتشتی است که یا باید بپذیریم در منبع فردوسی هم وجود داشته است، یا برساخته‌ای جدید است. یکی از پژوهشگران آن را افزودهٔ حکیم توس دانسته است (ر.ک: کهریزی، ۱۳۹۱: ۳۶-۴۰). روایت *کوش‌نامه* اما گمانه‌ای را تقویت می‌کند که بنابر آن، این احتمال تقویت می‌شود که منابع شاعران دربردارندهٔ محتوایی از این دست (کشتن مور) نیز باشد. اما، اعراض به این رسم مُغانه (کشتن موری دانه‌کش) در چه زمانی می‌توانسته است رواج یافته باشد؟ بدون تردید، پاسخ را باید در سده‌های نخست اسلامی و روزگار فروپاشی ساسانیان بازجست. بعید نیست خدای‌نامه‌های ساسانی دربردارندهٔ چنین محتوایی با توجه به اهمیت آن در آیین مزدیسنا بوده‌اند، اما در آثاری که در روزگار اسلامی از آنها اقتباس شده است (مانند *شاهنامهٔ* ابومنصوری) این اصطلاح رنگ باخته است و چه‌بسا این

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-04-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.8.4]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.137]

اعراض و روی‌گردانی از عمل کشتن مور، درقالب ضرب‌المثلی مصطلح، در میان ایرانیان و خاصه خراسانیان رواج یافته باشد. اکنون، بایسته است به همین بیت فردوسی که در *فرائدالسلوک* در قرن هفتم و پیش از سعدی ضبط شده است نظری بیندازیم:

میازار موری کی دانه کَشست کی او نیز جان دارذ و جان خَوشست

(سجاسی، ۱۳۶۸: ۱۶۶)

نگارندگان بر این باورند که بیت ضبط‌شده در نسخهٔ *فرائدالسلوک* اعتبار بیشتری نسبت به دیگر ابیات اشاره‌شده دارد و صرفاً در نخستین واژهٔ آن، یعنی «میازار»، تفاوتی نسبت به صورت باستانی، با توجه به امر به «کشتن» در آن متون، مشاهده می‌شود؛ چه‌بسا واژهٔ «میازار» نیز در زبان فردوسی مترادف «مَکش» به‌کار برده شده باشد؛ چراکه در کلام حکیم توس مشتقات این واژه در معنی و مفهوم کشتن قابل مشاهده است؛ برای مثال، در داستان «رستم و سهراب» بیتی از زبان رستم، پس از کشتن سهراب، مشاهده می‌شود که این مفهوم را متبادر می‌کند:

بگفت آن شگفتی که خود کرده بود گرامی‌تر خود <u>بیازرده بود</u>

(فردوسی، ۲/۱۳۹۶: ۱۸۹)

بااین‌حال، اگر واژهٔ «مکش» را، آن‌گونه که در نسخهٔ فلورانس نیز آمده است، برای این بیت در نظر آوریم، با اندکی کاستی در وزن، باز هم اصالت محتوایی خود را حفظ می‌کند و به کاربرد این عبارت در عهد باستان نزدیک می‌شود.

<u>مکُش</u> موری کی دانه کَشست کی او نیز جان دارذ و جان خَوشست

چه‌بسا این همان اصطلاح رواج‌یافتهٔ سده‌های نخستین اسلامی باشد که در اعراض به کشتن مور به‌کار برده می‌شده است؛ بنابراین، در نسخهٔ فلورانس و در این مصراع: «مکش مورکی را که روزی‌کش است»، نخستین واژهٔ «مکش» با توجه به قرینهٔ باستانی آن، در جای خود خوش نشسته است. هرچند که با درنظرگرفتن پاره‌ای از شواهد، واژهٔ «میازار» نیز همچنان می‌تواند اعتبار خاص خود را داشته باشد و در شمار نوآوری‌های شاعرانهٔ فردوسی محسوب شود. اما، واژهٔ «موری» به‌همراه حرف ربط «که» دچار قلب شده و به‌صورت واژهٔ «مورکی» در نسخهٔ فلورانس و دیگر موارد شبیه به آن خود را نشان داده است. واضح است که در کلام سرایندهٔ *شاهنامه* و حتی دیگر شاعران پارسی‌گوی، دامنهٔ کاربرد واژهٔ مور و موری نسبت به

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-04-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.8.4]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.137]

مورک بیشتر است. اکنون، شاید بتوان در تصحیح این بیت در *شاهنامه* و کلام فردوسی خوانش زیر را ارائه داد:

میازار موری که دانه کَشست که او نیز جان دارد و جان خَوشست

۳. نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در مقاله آمد، می‌توان گفت که عبارت «موری دانه‌کش» دارای پیشینه‌ای بسیار کهن است که در یکی از کهن‌ترین زبان‌های باستانی ایران یعنی زبان اوستایی مشاهده می‌شود. استفاده از این عبارت پرکاربرد در متن‌های فارسی میانه با سنت ساسانی نیز قابل ردگیری است. در تمام این متن‌های کهن، سخن از کشتن مور رفته است. این محتوا اما در شعر فردوسی به‌گونه‌ای دیگر رخ می‌نمایاند که در آن سخن از نکشتن مور رفته است که بدون تردید اعراضی به سنت باستانی ایرانی در آیین مزدیسنا مبنی بر کشتن مور است. چه‌بسا این اعراض درقالب ضرب‌المثلی در آن روزگار رواج یافته بوده است و در شعر فردوسی و درقالب یک بیت از زبان ایرج خود را نشان داده است. ازسوی‌دیگر، احتمال اینکه خدای‌نامه‌ها دربردارندهٔ چنین محتوایی، یعنی مطالبی با موضوع کشتن مور بوده باشند، زیاد است که شاید بتوان بازتاب آن را در منظومهٔ حماسی دیگری مانند *کوش‌نامه* بازجست. واژهٔ «مکش» در برخی از نسخه‌های *شاهنامه* به‌جای واژهٔ «میازار» به کاربرد صورت باستانی این واژه نزدیک‌تر است، اما واژهٔ «میازار» در این بیت می‌تواند نوآوری فردوسی به‌جای صورت رایج «مکش» باشد. دیگر اینکه، به‌نظر می‌رسد عبارت «روزی‌کش» که در برخی از منابع به‌جای «دانه‌کش» به‌کار رفته است، ازجمله تصرفات شاعران پس از روزگار فردوسی باشد. این امر با توجه به مصراع دوم همان بیت که در آن قطعاً تصرف صورت گرفته است قابل اثبات است. همچنین، برخی از نسخه‌ها صورت «موری که» و پاره‌ای دیگر «مورکی» را ضبط کرده‌اند که به‌نظر می‌رسد این صورت دوم دربردارندهٔ حالت قلب دو واژهٔ «ی و ک» باشد. با توجه به آنچه گذشت، تصورت مصحَّح بیت مذکور این‌گونه پیشنهاد می‌شود:

میازار موری که دانه کَشست که او نیز جان دارد و جان خَوشست[۵]

قدردانی

این مقاله به دکتر محمد علاء، به‌خاطر زحمات و حمایت‌هایشان از *شاهنامه* و زبان و ادب فارسی، تقدیم می‌شود. همچنین، نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از بانو شیما سلیمی به‌خاطر بررسی و

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-04-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.8.4]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.137]

افزودن نکات ویرایشی به‌ویژه در چکیدهٔ انگلیسی قدردانی کنند؛ در پایان، قدردان زحمات آقای محمدعلی مصلی‌نژاد به‌خاطر بررسی منابع *شاهنامه* و یاری‌رساندن به نگارندگان هستیم.

پی‌نوشت

۱. تمام مطالب این جستار مربوط به مصراع نخست این بیت است و در مصراع دوم همان تصحیح خالقی‌مطلق ملاک است.

۲. علاوه‌بر ابیاتی که متضمن این ترکیب‌اند و در منبع مورد اشاره از آنها یاد شده است، سعدی و عطار ترکیب دانه‌کش را در ابیاتی دیگر نیز به‌کار برده‌اند که در زیر به یک مورد اشاره می‌گردد:

تا به کی چون مور باشی دانه‌کش گر تو مردی، فاقه را مردانه‌کش

(عطار، ۱۳۶۲: ۱۳)

۳. برای نمونه در اشعار بیدل دهلوی و پروین اعتصامی این‌گونه آمده است:

در دانه‌کشی مردیم چون مور ز حرص آخر در خاک سیه بردیم هنگامه مزدوری

(دهلوی، ۱۳۶۸: ۱۱۶۲)

به کنج لانهٔ مور آرامگه ساخت شده آزرده از دانه‌کشیدن

(اعتصامی، ۱۳۸۱: ۱۷۷)

۴. ثواب

۵. صورت تصحیح‌شدهٔ پیشنهادی نگارنده.

منابع

آذرفرنبغ فرخزادان (۱۳۸۴) *روایت آذرفرنبغ فرخزادان*. به‌کوشش حسن رضایی باغ‌بیدی. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

ارداویراف‌نامه (۱۳۹۴) *متن پهلوی، حرف‌نویسی*. ترجمهٔ متن پهلوی، واژه‌نامهٔ فیلیپ ژینیو. ترجمهٔ ژاله آموزگار. تهران: معین- انجمن ایرانشناسی فرانسه.

اعتصامی، پروین (۱۳۸۱) *دیوان اشعار پروین اعتصامی*. به‌کوشش حسن احمدی گیوی. تهران: قطره.

ایران‌شان‌بن‌ابی‌الخیر (۱۳۷۷) *کوش‌نامه*. به‌کوشش جلال متینی. تهران: علمی.

بنونیست، امیل (۱۳۵۴) *دین ایرانی برپایهٔ متن‌های مهم یونانی*. ترجمهٔ بهمن سرکاراتی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

تفضلی، احمد (۱۳۷۷) *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*. تهران: سخن.

پورداوود، ابراهیم (۱۳۷۷) *یشتها*. دورهٔ دوجلدی. تهران: اساطیر.

جعفری، سیاوش، و ابوالقاسم رادفر (۱۳۹۱) «بررسی بیت‌هایی از *شاهنامه* در ویرایش جلال خالقی‌مطلق». *کهن‌نامهٔ ادب پارسی*. سال سوم. شمارهٔ ۲: ۴۹-۶۶.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-04-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.8.4]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.137]

خالقی‌مطلق، جلال (۱۳۶۴) «نفوذ *بوستان* در *شاهنامه*». *ایران‌نامه*. شمارهٔ ۱۲: ۶۲۴-۶۲۶.

خالقی‌مطلق، جلال (۱۳۷۴) «اهمیت و خطر مآخذ جنبی در تصحیح *شاهنامه*». *ایران‌شناسی*. سال هفتم. شمارهٔ ۴: ۷۲۸-۷۵۱.

خطیبی، ابوالفضل (۱۳۹۴) «یادداشت‌های شاهنامه‌شناسی». *گزارش میراث*. دورهٔ دوم. سال نهم. شمارهٔ ۱ و ۲: ۱۱-۱۶.

داراب هرمزدیار (۱۹۲۲) *روایات*. به‌کوشش رستم اونوالا. دورهٔ دوجلدی. بمبئی: بی‌نام.

دهلوی، بیدل (۱۳۶۸) *کلیات دیوان مولانا بیدل دهلوی*. تهران: فروغی.

ذوالفقاری، داریوش، و نرگس محمدی‌بدر (۱۳۸۹) «نقد بلاغی بیت معروفی از *شاهنامه*». *کهن‌نامهٔ ادب پارسی*. سال اول. شمارهٔ ۲: ۱۵-۲۷.

رضی، هاشم (۱۳۷۶) *وندیداد* (ترجمه از متن اوستایی، مقدمه، تطبیق با ترجمهٔ پهلوی، آوانویسی فارسی، پژوهش‌های گسترده و واژه‌نامهٔ تطبیقی). دورهٔ چهارجلدی. تهران: فکر روز.

روایت پهلوی (۱۳۹۰) به‌کوشش مهشید میرفخرایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سجاسی، شمس (۱۳۶۸) *فرائدالسلوک*. به‌تصحیح و تحشیهٔ عبدالوهاب نورانی وصال و غلامرضا افراسیابی. تهران: پاژنگ.

سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۷۰) *بوستان سعدی*. تهران: اقبال.

شایست‌ناشایست (۱۳۶۲) آوانویسی و ترجمهٔ کتایون مزداپور. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۶۲) *پندنامه و بی‌سرنامه*. با تصحیح و مقدمهٔ احمد خوشنویس. تهران: سنایی.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۶) *شاهنامه*. به‌کوشش جلال خالقی‌مطلق. دورهٔ ده‌جلدی. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

فرنبغ‌دادگی (۱۳۸۰) *بُندهشن*. به‌کوشش مهرداد بهار. تهران: توس.

کهریزی، خلیل (۱۳۹۱) «بیازار موری که دانه‌کش است». *کتاب ماه ادبیات*. شمارهٔ ۱۷۸: ۳۶-۴۰.

مکنزی، دیویدنیل (۱۳۹۰) *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*. ترجمهٔ مهشید میرفخرایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

هرن، پاول، و هاینریش هوبشمان (۱۳۹۳) *فرهنگ ریشه‌شناسی فارسی*. ترجمهٔ جلال خالقی‌مطلق. تهران: مهرافروز.

یاحقی، محمدجعفر (۱۳۹۴) *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی*. چاپ‌پنجم. تهران: فرهنگ معاصر.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-04-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.8.4]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.137]

Bartholomae, Christian (1904) *Altiranisches wörterbuch.* Strassburg: kj. Trübner.

Kellens, Jean (1995) *Liste du verbe avestique*. Wiesbaden: Reichert.

Modi, Jivanji-Jamshedji (1909) *Persian Texts Relating to Zoroastrianism. Sad dar Nasr and Sad dar Bundehesh*. Edited by Ervad Bahmanji Nasarvanji Dhabhar. Bombay: British India Press.

Pâhlan, Dârâb (1924) *The Persian Farziât Nâmeh and Kholâseh–I DÎN*. text and version with notes by Jivanji-Jamshedji Modi: Bombay.